

امنیت و شناخت اولویت‌های آن در میان شهروندان استان کرمان^۱

محمود کتابی^۲، زهیر مصطفی بلوردی^۳، صولت افضلی گروه^۴، مهدیه غیوری^۵

چکیده

تضمین امنیت و پایداری شهری با عنایت به فزونی یافتن انتظارات نهادهای تصمیم‌گیرنده، اجرایی و کنشگران سطح خرد از قوای انتظامی، به همگونی کارکردهای این نهاد با نیازهای امنیتی هر جامعه همبسته است. بی‌شک، استان پهناور کرمان نیز از این قاعده مستثنا نیست. پژوهش حاضر، ابتدا ضمن توجه به شاخه‌ی علم جامعه‌شناسی امنیت، در سطح مفهومی با برساختن مفاهیم امنیت وجودی، امنیت رفاهی و امنیت معنابخش، این مقوله‌ها را با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای در ۴۰۰ پرسشنامه میان ساکنان شهرهای استان کرمان به محک آزمون نهاده است. یافته‌ها حکایت از آن دارد که نیازهای امنیتی در مناطق سه‌گانه‌ی مرکز، نیمه‌ی پیرامون و پیرامون متفاوت است. گرچه نیاز به امنیت وجودی در تمام نقاط شهری استان در اولویت نخست قرار دارد با این حال اولویت مقوله‌های این امنیت در مناطق پیرامونی برجسته‌تر است. امنیت رفاهی و معنابخش نیز به فراخور، در مناطق مرکزی و نیمه‌پیرامونی جایگاه نخست را دارا می‌باشند.

کلید واژگان: جامعه‌شناسی امنیت، امنیت وجودی، امنیت رفاهی، امنیت معنابخش

۱. این نوشتاری است از طرحی کلی‌تر با عنوان «نیازهای امنیتی از دیدگاه ساکنان استان کرمان» که در مبحث شهرنشینی آن ارائه می‌گردد.

MKetabi840@yahoo.com

۲ - استاد علوم سیاسی دانشگاه اصفهان

۳ - دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی و مدرس مدعو دانشگاه فرهنگیان پردیس خواجه نصیر کرمان

mostafa.balvardi@gmail.com

solat_af@yahoo.com

۴- دانشجوی دکتری مشاوره دانشگاه بین‌المللی امام رضا(ع)

mahdieh.ghauri@gmail.com

۵- کارشناس ارشد ریاضی

تاریخ پذیرش: ۹۲/۸/۱۵

تاریخ وصول: ۹۲/۵/۲۳

مقدمه

بدون تردید فرض «نظم» و «امنیت» در قانون اجتماعی هر شهر امری دشوار نیست. مؤلفه‌های مذکور از جمله مفاهیمی‌اند که از دیرباز با جوهره‌ی هستی انسان‌ها پیوندی ناگسستنی داشته‌اند. امنیت مقوله‌ای است قابل تأمل، چه تضمین پایداری شهری در سایه‌ی آن محقق می‌گردد و آرامش و جریان امور زندگی کارکرد عمده‌ی آن است. خلاً چنین موضوعی در هر نظام اجتماعی ما را با پدیده‌های اجتماعی برهم زننده‌ی نظم مواجه خواهد ساخت که تأملات و مدیریت بیشتری را طلب خواهد کرد. بنابراین امنیت پیش فرضی است برای حیات و زندگی شهری، و هرچه منطقه‌ای ضریب امنیتی بالاتری داشته باشد، میزان تعامل مناسب اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی بیشتری خواهد بود. رسیدن بدین مقصود در پهناورترین محدوده‌ی سیاسی کشور ایران، یعنی استان کرمان با پراکندگی گسترده‌ی جمعیت مستلزم عوامل عدیده‌ی بسیاری است. عواملی که در حیطه‌ی علم جامعه‌شناسی با عنوان اراده و خواست کلیه‌ی ساختارهای نظام اجتماعی نام می‌گیرد. در واقع محیط اجتماعی محدوده‌ای است که در آن تمامی کنشگران مشغول عمل جمعی هستند و این امر به احساس یکی بودن کنشگر با محیط اجتماعی منجر می‌گردد. البته بدون شک کم و کیف زندگی اجتماعی مردمان خطه‌ی کرمان در گروه امکانات و تسهیلات گوناگون است. داشتن زندگی رضایت‌بخش همراه با آسودگی و آسایش کنشگران مستلزم توجه به شرایط، امکانات، منابع و همچنین کمبودها و کاستی‌ها در مناطق مختلف شهری استان است. با این وجود، طرز تلقی ما از نیازمندی‌های بومی استان نه بر مبنای بیان نیازمندی‌ها در دسته‌های مرسوم کلیشه‌ای است؛ چه چنین فرمول‌بندی‌ای چیزی از واقعیات خاص و مکانیزم درونی آن را برای ما بازگو نمی‌کند و شاید ما را در یک وضعیت ابهام و امتناع از شاخص‌های توسعه‌ی شهری قرار دهد. در چنین شرایطی، باور ما برای پرداخت نظری و پژوهشی بدین موضوع، چیزی جز توسل به اولویت‌بندی نیازمندی‌های شهرنشینان استان نیست؛ چرا که بسیاری از آسیب‌شناسان اجتماعی، اساساً مطالعه‌ی خود را از همین جا آغاز می‌کنند و با دست گذاشتن بر روی رابطه‌ی میان نیازمندی‌های امنیتی و دیگر ملاحظات و نیازهای محیط اجتماعی، امنیت را

مقدم بر دیگر امور می‌دانند. مسأله‌ی کرمان از این باب دارای اهمیت است که علاوه بر گستردگی و پراکندگی جمعیت، این استان از مناطق شهری گوناگونی تشکیل شده که هریک از آن‌ها در درون خود ساختارها و نیازمندی‌های امنیتی متفاوتی دارند؛ موضوعی که وظیفه‌ی نیروهای انتظامی را خطیرتر خواهد ساخت زیرا جامعه‌ی امن و توسعه‌یافته در مقابل مسأله‌ی امنیت از بین دو راه پرده‌پوشی و مدیریت مسأله، ناگزیر به انتخاب راه دوم است و برای این امر مهم، انتظارات از نیروی انتظامی بسیار بیشتر از نهادهای دیگر است.

این مقدمه، مدخلی است برای کنکاش بیشتر درباره‌ی ملاحظات و نیازمندی‌های شهرنشینان استان کرمان در تأمین امنیت، از آن جهت که پلیس انتظامی به اقتضای شأن و اعتبار خود قصد دارد که با تجهیز به دانش مذکور، گشایش لازم را در انجام مطلوب مأموریت محوله‌ی خود حاصل نماید. مفروض اصلی پژوهش حاضر در بررسی مسائل مرتبط با امنیت و راه‌های تأمین آن وابسته به آگاهی از دیدگاه‌ها و نگرش‌های ساکنان شهرهای مختلف است. در واقع به دنبال گسترش ابعاد مختلف امنیت و نیز زوال پاره‌ای از کارکردهای نهادهای سنتی تعیین‌کننده‌ی روابط انسانی و در کنار آن افزایش دامنه‌ی معضلات اجتماعی و امنیتی، موضوع تعامل مورد نیاز ساکنان شهرها و نیروی انتظامی به کانون پژوهش‌های اجتماعی و انتظامی بدل گشته است. همچنین یکی از منظرهای جامعه‌شناسی امنیت، «تبدیل جامعه به متن و سپس نفوذ به درون این متن و درک معنای نهفته در آن است. این تحول اگرچه رسالت و عملی بسیار دشوار است؛ اما محور اصلی فعالیت آن دسته از متفکرانی را تشکیل می‌دهد که پیرو «نظریه‌ی گفتمان» بوده و تحلیل گفتمان را وجهی همت خود قرار داده‌اند» (مختاری، ۱۳۸۰: ۳۷).

از این منظر درک آرا و نیازهای مردم، ذهنی‌ترین بنیاد امنیت را شکل می‌دهد که متضمن «معنا» و «مفهوم» آن نیاز در ذهن کنشگران است. به همین دلیل است که مسأله‌ی ارتباط افکار عمومی و نهادهای نظارتی معیار و شاخصی عمده برای امنیت است. بنابراین تحلیل ملاحظات و نیازمندی‌های بومی در تأمین امنیت از منظر تحولات نظری و اجتماعی، آموزه‌های متعددی را برای کارشناسان، محققان، مدیران و کلیه‌ی نیروهای

شاغل در بخش انتظامات به همراه دارد. از این رهگذر مشخص می‌گردد شیوه‌های اعمال امنیت در کنار آگاهی از دیدگاه مردمی حاصل خواهد شد.

آنچه نوشتار حاضر به دنبال پاسخگویی به آن است؛ این پرسش‌هاست: نیازهای امنیتی شهرنشینان در کلیه فضاها استان تابع چه الگوهای امنیتی است؟ آیا اولویت امنیتی در شهرهای مختلف استان یکسان است یا برحسب فضاها منطقه‌ای تفاوت می‌یابد؟ و در تأمین امنیت از چه الگوهای امنیتی باید استفاده کرد؟

نظریات امنیت

با وجود ارائه‌ی تعاریف بسیار از امنیت، در شرایط حاضر این واژه در جامعه‌شناسی امنیت، مفهومی معلق، متغیر و دارای معانی متنوعی است؛ اما به طور خاص مرتبط با نظام ارزش‌های اجتماعی و فردی تصور می‌شود (امانت، ۱۳۹۰: ۱۴۶) بنابراین به عنوان یک پدیده‌ی تجزیه‌ناپذیر باید مورد توجه قرار گیرد که فقدان بعدی از ابعاد آن، جامعیت تعریف را از بین خواهد برد چراکه امنیت مفهومی هنجاری، هم راستا با خیر همگانی معنا شده و ملاک مناسبی برای هدایت اجتماعی است. بنیادهای نظری علم جامعه‌شناسی، امنیت را به عنوان حالتی بدون ارتباط با بسترهای اجتماعی آن نمی‌داند (افتخاری، ۱۳۸۰: ۲۴)؛ بلکه برساخته‌ای است که امنیت را در درون خود به شکلی دوطرفه با بستر اجتماعی تجزیه و تحلیل می‌کند. بدین معنی که نیازهای امنیتی مقوله‌هایی اجتماعی‌اند و در هر جامعه‌ای به فراخور نیازهای آن جامعه فهم می‌شوند. بنابراین ما با طیف متنوعی از نیازها رو به رو هستیم که بسته به تنوع و تعدد جوامع متفاوتند. برداشت‌ها از نیازمندی‌ها نیز به ویژگی‌های ساختاری شهری ارتباط دارند که طی آن نیازهای امنیتی بر حسب دیدگاه بازیگران اصلی، یعنی مردم، تعبیر و تفسیر می‌شود (تائب و خلیلی، ۱۳۸۶: ۱۳۹).

جامعه‌شناسی امنیت از حیث نیازسنجی‌ها به میزان زیادی مدیون سه رویکرد عمده‌ی اثبات‌گرایی^۱، سازه‌گرایی^۲ و مابعد اثبات‌گرایی^۳ است (عبدالله خانی، ۱۳۸۳: ۱۸۳) که به

1 . Positivism

4. Existential Security

7. Kenneth Waltz

2. Constructivist

5. Wel Fare Security

8. John Mearsheimer

3. Post positivism

6. Signifying Security

ترتیب بر امنیت وجودی^۴، امنیت رفاهی^۵ و امنیت معنابخش^۶ تأکید دارند (سیف زاده، ۱۳۸۳: ۱۵). این رویکردهای سه‌گانه‌ی امنیتی که در حوزه‌ی امنیت خرد جای دارند به این دلیل مورد توجهند که با کارکردهای نیروهای انتظامی قرابت بیشتری می‌یابند. بر این مبنا، با طیف متنوعی از دیدگاه‌ها و آرا مواجهیم که برای ترسیم مدل نظری و ساختار مفهومی مورد نظر، مطالعه‌ی رویکردهای مختلف در باب نیازمندی‌های متنوع امنیتی اجتناب‌ناپذیر است.

کنت والتز^۷ و جان میرشایمر^۸ از جمله متفکران رویکر اثبات‌گرایی قلمداد می‌شوند که با هدف حفظ و بقای وضع موجود، بر نظم تأکید دارند (نویدینیا، ۱۳۸۹: ۹۱). بنا بر اعتقاد این دیدگاه، فرد، گروه، شهر، کشور و یا هر مرجع امنیتی دیگر وقتی قادر به حراست و نگهداری از حیات خود باشد و بتواند هستی خویش را تضمین نماید، به امنیت دست یافته است (نویدینیا، ۱۳۸۹؛ به نقل از نئوکلئوس، ۲۰۰۶). از این رو اثبات‌گراها بر امنیت وجودی تأکید دارند که به عنوان چهره‌ای بارز برای انتظام‌بخشی و برقراری امنیت شهروندان در دستور کار است؛ امری که با حراست از زندگی عموم مردم مرتبط است (دوریت، ۲۰۰۴). اثبات‌گرایان معتقدند، هرچه بتوان محیط فرد و افراد شهر را تحت قاعده و هنجارها به سوی برقراری نظم سوق داد، امنیت محقق می‌گردد. اطاعت افراد از قوانین رسمی جامعه و رفتار مبتنی بر عرف و رسوم جاری، نظم زندگی را تضمین می‌کند و امنیت برقرار می‌ماند. در این چشم‌انداز، امنیت با نظم اجتماعی هم‌پوشانی می‌یابد. از منظر اثبات‌گرایی، تحقق نظم و امنیت مستلزم مقابله با خطرات و تهدیدات جان و حیات افراد جامعه است. مهمترین و اساسی‌ترین تهدیدات، جرایمی هستند که نظم هنجاری جامعه را از بین برده و موجب آسیب به شهروندان گردند؛ بنابراین ابزارهای اجبار و قدرت کارآمدترین تجهیزات برای مقابله با خطرات در نظر گرفته شده‌اند (نویدینیا، ۱۳۸۴: ۴۱).

امانوئل آدلر^۱ و الکساندر ونت^۲ از جمله نظریه‌پردازان رویکرد سازه‌گرایانه‌اند که امنیت را

1. Emanuel Adler
4. Cox & Gill

2. Alexander Wendt

3. Steve Smith

وضعیتی می‌دانند که ساکنان یک منطقه قادر به بهره‌گیری از قانون در زندگی اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی بدون فشار منفی باشند. معتقدان بدین رویکرد، امنیت را در برابر آسایش قرار می‌دهند و هر آنچه موجبات دغدغه، تشویش و از بین رفتن آسودگی و آرامش شود، ناامنی تلقی می‌کنند. این نظریه‌پردازان برای امنیت حوزه‌ی معنایی گسترده و وسیعی قائل هستند؛ به گونه‌ای که تمام شئون و ابعاد زندگی انسان را در بر می‌گیرد. آنان بر امنیت رفاهی تأکید دارند و با ایجاد بسترهای دستیابی به رفاه، امکانات و فرصت‌ها، نگرانی‌ها را کنار زده و آرامش ایجاد می‌کنند (سورنسن، ۲۰۰۶: ۳۹۵). سازه‌گرایان بر خلاف دیدگاه اثبات‌گرایی، مقابله با جرایم را فقط شرط لازم برای تحقق امنیت می‌دانند؛ اما بیشتر بر پیشگیری از خطرات، تهدیدات و آسیب‌ها به عنوان شرط کافی تأکید دارند (نویدنیا، ۱۳۸۹: ۹۲). آنان معتقدند در بسیاری از موقعیت‌های اجتماعی اگر مکانیسم‌های پیشگیری صحیح عمل نمایند، جرم و تخلفی رخ نخواهد داد و بر این امر تأکید دارند که پیشگیری زمانی قادر به کاهش جرم خواهد شد که امکانات لازم فراهم آیند و در جهت هدف امنیتی برنامه‌ریزی و مدیریت شوند (نویدنیا، ۱۳۸۸: ۳۷). در این رویکرد، قدرت و اجبار بهترین ابزارهای امنیت‌بخشی نیستند؛ ابزارهای ارتباطی و فرهنگی از جمله آموزش، اطلاع‌رسانی، آگاهی‌بخشی را می‌توان در کنار توان نظامی استفاده نمود.

استیو اسمیت^۳، کاکس و گیل^۴ مابعد اثبات‌گرایانی هستند که به جنبه‌های ذهنی و فرهنگی، تقابلات نرم‌افزاری و مناسبت تمدنی پرداخته‌اند و بر معنابخشی باور دارند. آنچه در این رویکرد مورد توجه قرار می‌گیرد، تأثیر فضای اجتماعی بر باور نیازمندی افراد است که تاکنون نادیده گرفته شده است. به اعتقاد این نظریه‌پردازان، امنیت زمانی روی می‌دهد که هر فرد انسانی به انتخاب راه و روش زندگی خویش پردازد (سیف‌زاده، ۱۳۸۳: ۳۹). پس، امنیت مترادف با آزادی است و زمانی انسان آزادانه به دنبال اهداف زندگی خویش باشد، امنیت معنابخش تحقق می‌یابد (نویدنیا، ۱۳۸۳: ۳۷). این عرصه را می‌توان «عرصه‌ی تعلقات اجتماعی» نامید. افراد بر حسب خانواده، دین، قومیت، جنس، علایق هنری و غیره به گروه‌های مختلفی تعلق دارند (رفیع پور، ۱۳۷۷: ۱۱۳) و نیازهای

خویش را مطابق چنین تعلقاتی تعریف و سامان می‌بخشند. عرصه‌ی تعلقات اجتماعی که پیامد آن شکل‌گیری هویت اجتماعی است؛ از جمله حوزه‌هایی است که امنیت آن به فراموشی سپرده شده است. البته این برداشت به معنای غفلت از خطرات و جرایم نیست؛ بلکه توجه بر جنبه‌های انسانی است که دو رویکرد دیگر به فراموشی سپرده‌اند. بی‌عدالتی، فقر، نابرابری، تبعیض، خشونت از جمله مواردی هستند که موجب تهی شدن ارزش‌های انسانی از زندگی شده‌اند. این امور که ناامنی تصور می‌شوند با قدرت نظامی و اعمال زور از بین نمی‌روند، بلکه باید با حمایت از نیروهای آسیب‌دیده، ضمن بازسازی سرمایه‌های انسانی، زمینه‌های بهزیستی را فراهم آورد بنابراین امنیت معنابخش، بیش از سایر الگوهای امنیت به عوامل پیوند میان اعضای گروه‌ها توجه داشته و محافظت و پاسداری آن‌ها را چون وضعیت اقوام، اقلیت‌های مذهبی، زنان و کودکان، اقلتار پایین کارگری و وظیفه‌ی خود می‌داند (نویدنیا، ۱۳۸۲: ۳۸). علاوه بر دیدگاه نظری مذکور، منبع تجربی عدیده‌ای مقوله اولویت الگوهای امنیتی شهروندان را با توجه به نگاه تخصصی خود به واکاوی نهاده‌اند. پس این بررسی به همراه یک پژوهش دیگر، تلاشی پیشگامانه در زمینه‌ی شناسایی موضوع است که در اینجا به آن نیز اشاره خواهد شد. نویدنیا (۱۳۸۹) وضعیت شهروندان تهرانی را در فضاهای گوناگون شهر به حسب اولویت امنیتی آنان مورد بررسی قرار داده، یافته‌های وی نشان می‌دهند که مناطق کسب و کار شهر تهران نیازمند امنیت وجودی، مناطق مسکونی بر امنیت رفاهی و مراکز فرهنگی و هنری، دانشگاهی و آموزشی بیشتر بر امنیت معنابخش تأکید داشته‌اند.

در برآیند مطالب بالا می‌توان اشاره نمود که نیازهای امنیتی وجودی، رفاهی و معنابخش با مکانیزم‌های مختص به خود تأمین می‌شوند. رویکر اثبات‌گرایی در سایه‌ی مقابله با متخلفان به کمک ابزارهای زور و قدرت امنیت وجودی را متحقق می‌سازد. سازه‌گرایان با فراهم نمودن امکانات و تسهیلات زندگی، پیشگیری از آسیب‌ها و امنیت رفاهی را استوار می‌کنند و مابعد اثبات‌گرایان به بازسازی سرمایه‌های انسانی اهتمام دارند. در این راستا نمی‌توان برای دستیابی به هر نوع از الگوهای امنیت سراغ‌الگویی دیگر رفت؛ لازمه‌ی تأمین هر نیاز امنیتی، به کارگیری ابزارهای شناخته شده‌ی الگوی امنیتی مربوط

است (نوبدینیا، ۱۳۸۹: ۹۳). در واقع مباحث نظری جامعه‌شناسی امنیت نیز تحقق شهری ایمن را مستلزم تأمین هر سه دسته نیاز امنیتی نمی‌داند و این مسأله را مورد مذاقه قرار می‌دهد که آیا تفاوت‌های شهری در اولویت‌های امنیتی اثر دارد؟ آیا بر حسب ویژگی‌های شهری اولویت‌های امنیتی متفاوتند؟

روش شناسی

روش پژوهش حاضر، تلفیقی از دو روش پیمایشی و کتابخانه‌ای است. در بخش کتابخانه‌ای، با مرور منابع و تحقیقات موجود، پیشینه‌ی پژوهش و مبانی و چارچوب نظری تحقیق تدوین شده است. در بخش پیمایشی نیز پس از طراحی پرسش‌ها و شاخص‌ها به گردآوری اطلاعات از جامعه‌ی آماری پرداخته‌ایم.

جامعه‌ی آماری بر طبق سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۸۵، شامل کلیه‌ی شهرنشینان ۳۹-۱۵ سال استان کرمان بوده که ۱۵۵۲۵۱۹ نفر می‌باشند. افراد مورد بررسی باید حداقل به مدت دو سال در منطقه سکونت داشته یا مشغول کار یا تحصیل باشند. حجم نمونه با خطای نمونه‌گیری ۰/۰۵ و با فاصله‌ی اطمینان ۹۵٪ با توجه به جای‌گذاری اعداد در فرمول کوکران و با روش نمونه‌گیری چند مرحله‌ای ۴۰۰ نفرانتخاب گردید. این روش غالباً در مطالعات با مقیاس وسیع به کار می‌رود، زیرا هزینه‌ی تحقیق را به میزان زیادی کاهش می‌دهد (نجمیاس و فرانکفورد، ۱۳۸۱: ۲۷۱). برای این کار، ابتدا نقشه‌ی استان کرمان به سه منطقه‌ی: شهری مرکز (کرمان، سیرجان، رفسنجان)، نیمه پیرامونی (بافت، بردسیر، زرنند) و پیرامونی (جیرفت، بم، کهنوج) تقسیم شد. در مرحله‌ی بعد از میان هر کدام از این شهرها دو ناحیه انتخاب شد و از درون هر ناحیه دو خیابان به عنوان واحد نمونه‌گیری مورد بررسی قرار گرفت. درون هر خیابان تعدادی منزل مسکونی به صورت تصادفی سیستماتیک انتخاب و با مراجعه به آن‌ها از هر خانوار یک نفر، در صورت وجود دامنه‌ی سنی و شرایط مدنظر، به عنوان پاسخگو برگزیده شد. در صورتی که در آن خانوار فردی واجد شرایط وجود نداشت، واحد همسایه‌ی آن‌ها جایگزین خانوار انتخاب شده می‌گشت. شیوه‌ی انتخاب واحدهای مسکونی در هر خیابان تصادفی سیستماتیک بوده؛ بدین صورت که تعداد واحدهای مسکونی موجود در هر خیابان بر تعداد پرسش‌نامه‌هایی که باید در آن خیابان پر شود تقسیم گردید و عدد

حاصله (X) به عنوان فاصله بین واحدها در نظر گرفته شد. اولین واحد به صورت تصادفی انتخاب و واحدهای بعدی با رعایت فاصله X انتخاب شد.

اعتبار^۱ و پایایی^۲

بررسی برآورد اعتبار سؤالات مندرج در پرسشنامه برای شناسایی اعتبار محتوایی معرف‌های پژوهش از طریق مراجعه به دیدگاه‌ها و کارهای متخصصان به دست آمد. همچنین برای حصول و اطمینان بیشتر از پایایی ابزار سنجش، گویه‌ها به تعداد ۵۰ پرسشنامه پیش‌آزمون شدند. پس از تکمیل و کدگذاری و وارد نمودن در نرم‌افزار SPSS، پایایی آن‌ها با سنجش آلفای کرونباخ ارزیابی گردید. بر اساس سطح سنجش متغیرها، از روش‌های آماری توصیفی و استنباطی (آزمون F) استفاده شده است.

متغیرهای پژوهش

امنیت وجودی به منظور استفاده از کنترل‌های محسوس و نامحسوس به منظور مقابله با خطرات و جرایم محیطی و تشخیص زود هنگام خطر است. گویه‌های این شاخص با استفاده از طیف لیکرتی و سنجش آلفای ۰/۷۱ در سطوح کم، متوسط و بالا عبارتند از: میزان حضور پلیس در محل زندگی، میزان استفاده از ابزار و وسایل کنترل نامحسوس، اطمینان از دستگیری و شناسایی به هنگام مجرمان، جلوگیری از خشونت‌ها و نزاع‌های جمعی، اطمینان از بی‌خطر بودن محل (نویدینا، ۱۳۸۹).

امنیت رفاهی عبارت است از استفاده از مهارت‌ها، تخصص‌ها و دانش انسانی برای تأمین شرایط مناسب زندگی که گویه‌هایی با آلفای ۰/۶۹ در سطوح کم، متوسط و بالا در طیف لیکرت را تشکیل می‌دهند و مقوله‌هایی چون مددکاری‌های اجتماعی، خدمات اداری و عملیات‌های بشردوستانه را شامل می‌شوند.

امنیت معنابخش با تأکید بر هویت‌های گروهی و فردی، ضمن بردباری و اعمال عدالت، با تکیه بر آزادی در چارچوب قانون، گروه‌ها و افراد را در انجام اعمال و مناسک یاری می‌رساند. در مجموع متغیری ترتیبی با ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۵ و سه گزینه‌ی «کم»، «متوسط» و «زیاد» است. با ترکیبی از شرکت در مناسک و آیین‌های مختلف دینی، اجتماعی - هنری، خویش‌نهادی اخلاقی در برخورد با متخلفان جرم‌های سبک،

1. validity
2. reliability

خویشتن‌داری اخلاقی در برخورد با متخلفان جرم‌های سنگین.

داده‌های تحقیق

به طور کلی ۵۲ درصد از پاسخگویان را مردان (۲۰۸ نفر) و ۴۸ درصد از آنان را زنان (۱۹۲ نفر) تشکیل می‌دهند. حداکثر سن در میان پاسخگویان ۳۶ سال و حداقل آن ۱۵ سال است. میانگین سنی زنان ۲۱/۲ سال و میانگین سنی

جدول شماره ۱. ویژگی‌های عمومی حجم نمونه به تفکیک دو جنس

درصد	کل	مرد	زن	جنس	
				ویژگی	
۶/۴	۲۷	۱۱	۱۶	۱۵-۱۹	سن
۳۷/۴	۱۴۸	۷۲	۷۶	۲۰-۲۴	
۳۷/۷	۱۴۹	۹۲	۵۷	۲۵-۲۹	
۱۲/۶	۵۱	۲۲	۲۹	۳۰-۳۴	
۵/۹	۲۵	۱۱	۱۴	۳۵-۳۹	
	۲۳/۵	۲۶	۲۱/۲	میانگین سنی	
۴۶/۵	۱۸۶	۱۱۲	۷۴	مجرد	وضعیت تأهل
۴۶/۸	۱۸۷	۹۰	۹۷	متأهل	
۶/۷	۲۷	۶	۲۱	بدون همسر در اثر فوت یا طلاق	
۲۳/۸	۹۵	۶۲	۳۳	دیپلم و زیر دیپلم	تحصیلات
۵۹/۰	۲۳۶	۱۱۲	۱۲۴	دانشجو و لیسانس	
۱۷/۲	۶۹	۳۴	۳۵	بالتر از لیسانس	

مردان ۲۶ سال می‌باشد که به معنای جوان‌تر بودن پاسخگویان زن است. ۴۶/۵ درصد از جمعیت نمونه را افراد مجرد و ۴۶/۸ درصد از پاسخگویان را افراد متأهل تشکیل می‌دهند. بخش عمده‌ی پاسخگویان زن، متأهل (۹۷ نفر) و بخش عمده‌ی پاسخگویان مرد (۹۰ نفر) مجرد می‌باشند. بر اساس یافته‌های پژوهش ۲۳/۸ درصد از پاسخگویان دیپلم و زیر دیپلم، ۵۹ درصد لیسانس و دانشجو و تنها ۱۷/۲ درصد بالاتر از لیسانس هستند. همان‌گونه که در جدول شماره ۲ نشان داده شده است، امنیت وجودی درصد بالایی از اولویت‌های پرسش‌شوندگان را به خود اختصاص داده است. ساکنان منطقه‌ی بم با ۸۳

درصد، جیرفت ۶۹ درصد، کهنوج ۶۵ درصد و کرمان با ۴۴ درصد به ترتیب بالاترین درخواست کنندگان امنیت وجودی هستند.

جدول شماره ۲. اولویت امنیت وجودی ساکنان شهرهای مختلف استان کرمان

مقوله‌ها		مناطق								
		مرکز			نیمه پیرامون			پیرامون		
		کرمان	سیرجان	رفسنجان	بافت	بردسیر	زرنند	جیرفت	بم	کهنوج
میزان حضور پلیس در محل زندگی	کم	۲۴٪	۳۰٪	۳۱٪	۱۱٪	۶٪	۹٪	۱۱٪	۲٪	۰
		۳۱	۱۴	۱۷	۳	۱	۲	۴	۱	۰
میزان استفاده از ابزار و وسایل کنترل نامحسوس	متوسط	۳۲٪	۲۷٪	۲۷٪	۵۲٪	۵۹٪	۵۹٪	۲۰٪	۱۵٪	۳۵٪
		۴۰	۱۲	۱۵	۱۴	۱۰	۱۳	۷	۸	۷
اطمینان از دستگیری و شناسایی به هنگام مجرمان	بالا	۴۴٪	۴۳٪	۴۲٪	۳۷٪	۳۵٪	۳۱٪	۶۹٪	۸۳٪	۶۵٪
		۵۵	۲۰	۲۳	۱۰	۶	۷	۲۴	۴۳	۱۳
جلوگیری از خشونت‌ها و نزاع‌های جمعی										
اطمینان از بی خطر بودن محل										

بالا بودن اولویت امنیت وجودی در مناطق پیرامونی دلایل بسیاری دارد که از آن جمله می‌توان به تجربه‌ی ذهنی ساکنان از بلایای جمعی و پی‌آمدهای آن اشاره کرد. در اکثر موارد، بلایای جمعی اضمحلال ساختارهای اجتماعی در تمام ابعاد را در پی دارد. در این شرایط به دلیل نبود کنترل اجتماعی و ایجاد حالت بی‌هنجاری، جرایم و انحرافات رو به فزونی خواهد گذارد. بالا بودن اولویت امنیت وجودی در این مناطق را می‌توان در تجربه‌ی زلزله بم جستجو کرد. ساکنان شهر پر جمعیت کرمان مانند دیگر کلان‌شهرهای ایران، با خصوصیت مهاجرپذیری، خواه ناخواه تجربه‌ی ذهنی ناامنی را دارا هستند؛ اما هرچه به سمت شهرهای کم جمعیت نیمه پیرامونی می‌آییم، اولویت امنیت وجودی به میزان نامحسوسی کاهش می‌یابد. این شرایط حکایت از حجم جمعیتی و تراکم مادی و اخلاقی کمتر است؛ وضعیتی که منجر به برجسته شدن وجدان جمعی و در نتیجه وقوع جرم کمتر می‌گردد.

بر اساس اطلاعات جدول شماره ۳، امنیت رفاهی درصد کمتری را نسبت به امنیت وجودی در اولویت نیازهای امنیتی شهرنشینان به خود اختصاص داده است. باز هم نکته‌ی قابل

تأمل، شهر بم است که اولویت فعالیت‌های بشردوستانه و مددکاری‌های اجتماعی بیشتری را، در مقایسه با دیگر مناطق، از نیروهای انتظامی درخواست کرده‌اند. این نوع نیازمندی‌ها بیشتر مورد درخواست مناطق مرکز است؛ به گونه‌ای که شهرهای رفسنجان، کرمان و سیرجان به ترتیب با ۵۵، ۴۴ و ۳۷ درصد بالاترین اولویت امنیتی‌شان است.

جدول شماره ۳. اولویت امنیتی رفاهی ساکنان شهرهای مختلف استان کرمان

پیرامون			نیمه پیرامون			مرکز			مناطق		
کهنوج	بم	جیرفت	زرنند	بردسیر	بافت	رفسنجان	سیرجان	کرمان	مقوله‌ها		
۱۵٪	۱۴٪	۲۰٪	۵۵٪	۲۹٪	۳۳٪	۲۵٪	۳۳٪	۲۶٪	کم	امنیت رفاهی	مددکاری‌های اجتماعی
۳	۷	۷	۱۲	۵	۱۵	۱۴	۱۵	۳۳			خدمات اداری
۵۵٪	۲۶٪	۶۰٪	۱۴٪	۵۳٪	۳۷٪	۲۵٪	۳۰٪	۳۰٪	متوسط	امنیت رفاهی	فعالیت‌های بشردوستانه
۱۱	۱۳	۲۱	۳	۹	۱۷	۱۴	۱۴	۳۸			
۳۰٪	۶۰٪	۲۰٪	۳۱٪	۱۸٪	۳۰٪	۵۰٪	۳۷٪	۴۴٪	بالا	امنیت رفاهی	فعالیت‌های بشردوستانه
۶	۳۱	۷	۷	۳	۱۴	۲۷	۱۷	۵۵			

جدوی شماره ۴، اولویت معنابخش نسبت به دو اولویت امنیتی دیگر، به میزان کمی مورد درخواست مردم است. بالاترین درصد متعلق به شهر کرمان با ۲۷ درصد، رفسنجان ۱۸ درصد و سیرجان ۱۷ درصد است.

جدول شماره ۴. اولویت امنیتی معنابخش ساکنان شهرهای مختلف استان کرمان

پیرامون			نیمه پیرامون			مرکز			مناطق		
کهنوج	بم	جیرفت	زرنند	بردسیر	بافت	رفسنجان	سیرجان	کرمان	مقوله‌ها		
۵۵٪	۵۸٪	۷۱٪	۵۵٪	۵۹٪	۴۸٪	۴۹٪	۶۳٪	۴۰٪	کم	امنیت معنابخش	شرکت در مناسک و آیین‌های مختلف دینی
۱۱	۳۰	۲۵	۱۲	۱۰	۱۳	۲۷	۲۹	۵۰			شرکت در مراسم اجتماعی - هنری
۳۵٪	۳۱٪	۲۰٪	۳۶٪	۲۹٪	۳۷٪	۳۳٪	۲۰٪	۳۳٪	متوسط	امنیت معنابخش	خویشترداری اخلاقی در برخورد با متخلفان جرم‌های سبک
۷	۱۶	۷	۸	۵	۱۰	۱۸	۹	۴۱			خویشترداری اخلاقی در برخورد با متخلفان
۱۰٪	۱۱٪	۹٪	۹٪	۱۲٪	۱۵٪	۱۸٪	۱۷٪	۲۷٪	بالا	امنیت معنابخش	خویشترداری اخلاقی در برخورد با متخلفان

۲	۶	۳	۲	۲	۴	۱۰	۸	۳۵			جرم‌های سنگین
---	---	---	---	---	---	----	---	----	--	--	---------------

برای کنترل آماری رابطه که در سطح تحلیل‌های دو متغیری بین متغیر وابسته (شهرهای استان) و متغیر اولویت‌های امنیتی از آزمون F استفاده شده است. با انجام این تحلیل در بین متغیرهای مورد نظر، می‌توان گفت شهرهای مختلف استان به لحاظ شرایط خاص محیطی که دارا هستند؛ در اولویت‌های امنیت وجودی، رفاهی و معنابخش با یکدیگر متفاوتند. درک این مسأله با رجوع به علم جامعه‌شناسی امنیت امکان‌پذیر خواهد بود، تا بر بنیاد آن بتوان به تحلیلی در این باب دست یافت. جامعه‌شناسی با طرح مفهوم «سلطه‌ی نیازمندی» به میزان زیادی تحلیل و واکاوی امر واقع شده را ترسیم می‌کند. بر این اساس، طرح هر نیاز امنیتی و پذیرش آن متأثر از مسلط بودن یک الگوی امنیتی است. توجه به اینکه امنیت وجودی به لحاظ ماهوی مراقبت از حیات مادی و فیزیکی انسان را بر عهده دارد؛ می‌توان این‌گونه تصور داشت که با توجه به مسلط بودن این نیاز، اولویت‌های ساکنان شهرهای مختلف کرمان نیز به سمت این الگو سوق یافته است؛ در حقیقت بدون امنیت وجودی درک حیات ناممکن است. زندگی بدون دیگر امنیت‌ها، حداقل در سختی و مشکلات، جریان دارد؛ بنابراین به لحاظ ضرورت، امنیت وجودی در مرتبه‌ی اول قرار دارد و امنیت رفاهی و معنابخش در مقام دیگر اهمیت قرار می‌گیرند.

جدول شماره ۵. تحلیل واریانس اولویت امنیتی شهرنشینان کرمانی

سطح معناداری	F	درجه آزادی		
۰/۰۰۰	۱۶/۷۰	۳	بین گروهی	امنیت وجودی
		۴۰۰	درون گروهی	
۰/۰۰۱	۸/۶۳	۳	بین گروهی	امنیت رفاهی
		۴۰۰	درون گروهی	
۰/۰۰۲	۵/۴۴	۳	بین گروهی	امنیت معنابخش
		۴۰۰	درون گروهی	

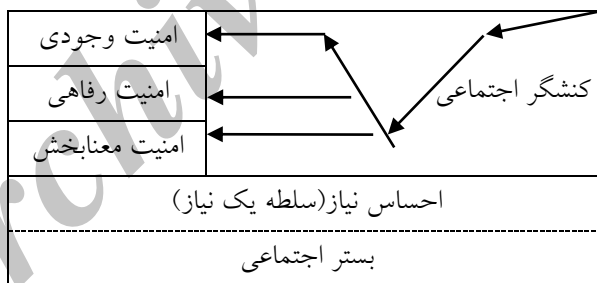
گرچه این قرائت، قانع‌کننده می‌نماید؛ اما به قضاوت صحیح و دقیق منتهی نخواهد شد. انسان امروز در نظام عقلانیت، حسابگری، فایده‌نگری و سودانگاری پرورش یافته و توجه او به امنیت نمی‌تواند خالی از چشم‌انداز باشد؛ بدین معنا که با بالا رفتن امنیت

مکان زندگی و تضمین زندگی رضایت‌بخش و تأمین امنیت وجودی، نیازهای دیگر هم مطرح می‌شوند؛ بنابراین باید به کلیه درخواست‌ها توجه داشت و هرکدام را به حساب نیاز و اولویت منطبق بر اساس الگوها و رویه‌های امنیتی مربوط به خود فراهم نمود.

نتیجه‌گیری:

در این نوشتار تلاش نمودیم تا با بررسی داده‌های تجربی جمع‌آوری شده، خوانشی از اولویت امنیتی را مورد آزمون قرار دهیم که بر اساس وضعیت شهرهای استان کرمان ارائه شده است. در واقع عدم تحدید و کرانمندی مفهوم امنیت، زمینه‌ای فراهم آورد تا در ابتدا بر ساختن سؤالاتی را مدنظر قرار دهیم که امنیت تابع چه الگویی است؟ آیا اولویت‌های امنیتی در شهرهای مختلف متفاوتند یا یکسان؟ و در صورت تفاوت، در انتخاب الگوی امنیتی برنامه‌ریزان چه تأثیری خواهند گذارد؟ بر اساس تئوری‌های جامعه‌شناسانه، امنیت ساختی اجتماعی دارد؛ بدین معنا که انسان‌ها بر اساس بستری اجتماعی با عنوان سلطه‌ی نیازمندی‌های اجتماعی، اولویت‌های امنیتی خود را مشخص می‌سازند. این مطلب نشان‌دهنده‌ی وجود الگوها و مدل‌های امنیتی متنوعی است (شکل شماره ۱) که بررسی و تحقیقات جامعه‌شناختی را برای شناخت آن اجتناب‌ناپذیر می‌کند.

شکل شماره ۱. ساخت اجتماعی اولویت‌های امنیتی



از سوی دیگر، نتایج حاصل از داده‌ها نشان داد که اگرچه نیازهای امنیتی به طور یکسان در تمامی مناطق شهری مشترک نیستند و هر شهر به ماهیت احساس نیاز از اولویت امنیتی خاصی برخوردار است؛ اما در نمونه‌ی منحصراً به فرد ما، یعنی استان کرمان، موضوع به گونه‌ای دیگر رقم خورده است. در هر سه منطقه‌ی مرکز، نیمه پیرامون و پیرامون امنیت وجودی اولویت نخست را دارد. بدین جهت آگاهی از این موضوع می‌تواند در مدیریت‌های اجتماعی مؤثر افتد. البته نمی‌توان با دیدی یک‌سویه به امنیت

توجه داشت و فقط به یکی از الگوها به طور مثال، امنیت وجودی تأکید کرد. ابعاد مختلف امنیت، مکانیزم‌های مختص به خود را دارند و به شیوه‌های اجرایی گوناگون قابل حصول خواهند بود.

به عنوان یک جمع‌بندی نهایی در پایان می‌توان گفت که افراد، قشرها و حتی مدیران اجتماعی، انتظارات متفاوتی در خصوص نقش نیروهای انتظامی در جامعه دارند. اگر این انتظارات شکاف بسیار وسیعی را نشان دهند، می‌توان از «کشمکش نقشی» در مورد جایگاه نیروی انتظامی یاد کرد. پی‌آمد این وضعیت، کاهش توان این نیرو در مواقع ضروری است. نیروی انتظامی برای ایفای بهتر کارکردها، توجه فعالیت‌هایش و دریافت انتظارات جامعه، نیازمند حیطه‌ی انتظاراتی و وظایفی مشخص و منسجمی است؛ چراکه یکی از مسائل عمده‌ی امنیت، رسیدن به اجماع نظری و عملی در این زمینه است. تردیدی نیست که در بحث نظم و امنیت، نیروی انتظامی عمدتاً با مردم مواجه است؛ از این رو، اگر نهادها مبنای مشترک را درک آگاهی‌ها و نیازهای امنیتی مردم بدانند، وحدت و در نهایت امنیت پایدار حاصل خواهد شد.

منابع

- اچ، چاوا فرانکفورد و دیوید نجمیاس. (۱۳۸۱). روش‌های پژوهش در علوم اجتماعی، ترجمه‌ی: فاضل لاریجانی و رضا فاضلی، تهران: انتشارات سروش.
- امانت، حمید. (۱۳۹۰). «امنیت اجتماعی و ارائه‌ی الگوی سنجش آن»، فصلنامه‌ی مطالعات امنیت اجتماعی، صص ۱۷۵-۱۴۵.
- افتخاری، اصغر. (۱۳۸۰). اقتدار ملی: جامعه‌شناسی سیاسی قدرت از دیدگاه امام خمینی، تهران: ناجا.
- تائب، سعید و خلیلی حسین. (۱۳۸۶). «اولویت‌های امنیت‌سازی در خلیج فارس»، تهران، فصلنامه‌ی مطالعات دفاعی استراتژیک، شماره‌ی ۳۰، صص ۱۸۶-۱۳۱.
- سیف زاده، حسین. (۱۳۸۳). معمای امنیت و چالش‌های جدید غرب، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه دفتر مطالعات سیاسی و بین‌الملل.
- رفیع پور، فرامرز. (۱۳۷۷). آناتومی جامعه، تهران: نشر انتشار.
- عبدالله خانی، علی. (۱۳۸۳). نظریه‌های امنیت، تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات ابرار معاصر.

- مختاری، اصغر. (۱۳۸۰). «ساخت اجتماعی امنیت»، دانش انتظامی، شماره ۱۱، صص ۲۲-۵۳.
- نویدنیا، منیژه. (۱۳۸۲). «درآمدی بر امنیت اجتماعی»، تهران، فصلنامه‌ی مطالعات راهبردی، سال ششم، شماره ۱ اول.
- _____ . (۱۳۸۴). «چندگانگی امنیت: امنیت ملی، امنیت عمومی و امنیت اجتماعی»، فصلنامه‌ی مطالعات امنیت اجتماعی، شماره ۲ و ۳، صص ۳۵-۵۸.
- _____ . (۱۳۸۸). امنیت اجتماعی، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- _____ . (۱۳۸۹). «اولویت امنیتی شهروندان و مناطق مختلف شهر تهران»، تهران: فصلنامه‌ی جغرافیای انسانی، شماره ۲ دوم، صص ۸۷-۹۹.
- Dorit, d(2004), The Roles of Public Police and Private Agencies.www.Lcc.gc.ca.
- Sorensen, Georg(2006), What kid of World Order: Journal of the Nordie Internatonal Studies Association:393-402.

Archive of SID